

اسناد

مکاتبات تاریخی



مجله بررسی‌های تاریخی در
هر شماره چند سندی از اسناد و
مکاتبات تاریخی خطی را که قبلاً
در جایی دیگر چاپ نشده باشد
بچاپ میرساند. در این شماره بخش
دوم از مقاله آقای محمد حسن
سمسار که خود شروح و تفاسیری
جالب در باب چگونگی احکام و
فراهمین و سازمان اداری دولت
صفوی است، بچاپ میرسد.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علوم انسانی

فرمان نویسی در دوره صفویه

پرفسور مینورسکی بنقل از شاردن می‌نویسد :

« در روزهای آدینه اسنادی که بمهر وزیران رسیده بود به حرم ارسال میگشت، و آنجا جمعبه محتوی مهر همایون آورده میشد و پس از آنکه اسناد و مدارک جهت شاه قرائت میگردد مهر دار محل مناسبی را بر روی فرمان مزبور تر و مهر را تقدیم شاه میکرد تا وی آنرا بر آن محل بگذارد،^{۴۵} کار مهر کردن فرامین را گاهی نیز مهر دار یا وزیر مهر شخصاً انجام میداد. در یکی از اسناد سیاسی انگلیس در باره آرتور ادواردز رئیس هیئت شرکت مسکو، که در سال ۹۷۶ بدربار شاه تهماسب آمده بود نوشته شده است: «گفتگوی شاه با ادواردز دو ساعت دوام یافت، سرانجام سفیر انگلستان از شاه تهماسب امتیازاتی را که در کار تجارت میخواست گرفت و تمام شرایط را بر کاغذهای لاجوردی زرین نوشته و بوسیله منشی خاص شاه بمهر او مزین شد».^{۴۶}

۴۵ - سازمان اداری

۴۶ - ص ۱۷۰ کتاب روابط سیاسی ایران - استاد نصرالله فلسفی

مهردار عنوان «وزیرمهر» داشت و این سمت ظاهراً در اواخر دوره صفویه منسوخ شده بود، زیرا نویسنده تذکره الملوك از این سمت نامی نمی برد. پروفیسور مینورسکی نیز در سازمان اداری حکومت صفوی از وزیرمهر نامی نبرده است. اما در عالم آرای عباسی که از کتب تاریخی معتبر دوره صفویه است بنام وزیرمهر برمیخوریم.

از وزرای مهرمشهور دوره صفویه یکی میرزا عنایت الله اصفهانی وزیرمهر شاه عباس بزرگ است که سال ۱۰۳۳ در بغداد درگذشت و جسد او را بنا بنوشته عالم آرا در کربلا بخاک سپردند. ۴۷ بنا بنوشته شاردن باید گفت که ظاهراً مهر کردن فرامین بدست شخص شاه انجام میشده است.

مهرهای شاه در جمعیه های خاصی در حر مسرا نگاهداری میشد و این جمعیه بمهر دیگری که شاه همیشه بر گردن خود آویخته داشت، مهور بود. جمعیه مهرشاه عباس دوم و شاه سلیمان را معمولاً مادرشاه محافظت میکرد «است» ۴۸ در زمان صفویه فرمانها بوسیله شخص شاه مهر میگردد و مهرشاه در بالای هر فرمان زده میشد. هرگاه فرمان یادست خطی برای سفیری که تبعه ایران نبود صادر میگردد، شاه بجای بسالای فرمان پشت آنرا مهر میگردد. این وضع را در اعتبارنامه های رابرت شرلی در سفر انگلستان می بینیم ۴۹

مهرهای پادشاهان صفوی

هریک از پادشاهان صفوی دارای چند مهر بودند که از نظر شکل ظاهری و مطالبی که بر آنها کنده شده بود باهم تفاوت داشتند.

شاردن در سفرنامه خود شرحی درباره مهرهای سلطنتی دوره صفوی نوشته، و تصاویر مهرهای شاه سلیمان را در اطلس خود آورده است (عکس شماره ۱۰) وی می نویسد که سلیمان پنج مهر بشرح زیر داشت:

۱ - مهر مدور با هلالی برآمده بالای آن که دایره ای کوچکتری در وسط داشت و در آن نوشته شده بود: بنده شاه ولایت سلیمان، و در اطراف آن اسامی

۴۷ - ص ۱۰۱ عالم آرای عباسی ج ۳

۴۸ - ص ۴۱۱ ج ۲ زندگانی شاه عباس

۴۹ - ص ۲۱۳ کتاب روابط سیاسی ایران

- ائمه را کنده بودند. این مهر از جنس فیروزه بود.
- ۲ - مهر بزرگ راست گوشه‌ای که مطالبی مانند مهر اول بر آن کنده بودند و از جنس فیروزه بود.
- ۳ - مهر کوچک مربعی که از جنس یاقوت بود و فقط عبارت وسط مهر اول بر آن نقش شده بود.
- ۴ - مهر کوچکی بشکل بیضی که نقش آن عبارت بود از بنده شاه دین سلیمان ۱۰۸۰

۵ - مهر مدور کاملی که از نظر مضمون شبیه مهر اول بود.

اما بررسی نقش مهرهای پادشاهان صفوی بر فرامین موجود اطلاعات بیشتری درباره انواع مهرها بدست میدهد.

قسمتی از نقش مهرهای پادشاهان صفوی نیز بوسیله رابینو در دو کتاب «آلبوم سکه‌ها و مهرهای پادشاهان ایران» و کتاب «سکه‌ها و مدال‌ها و مهرهای پادشاهان ایران» بچاپ رسیده است (عکسهای شماره ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴)°

الف - شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ه. ق.)
مهر گرد کلاهک دار :

اللهم صل علی محمد مصطفی و علی مرتضی و
حسن رضی و حسین شهید کربلا (بکر بلا)،
زین العابدین، محمد باقر، جعفر صادق، موسی
کاظم، علی بن موسی رضی، محمد تقی، علی نقی،
حسن عسگری، محمد مهدی العبد اسماعیل بن
حیدر صفوی ۹۱۴ (عکس ۱۱ شماره ۱)

ب - شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق.)

۱ - مهر گرد ساده :
بنده شاه ولایت تهماسب ، محمد المصطفی
علی المرتضی حسن الرضا حسین الشهد علی
زین العابدین محمد الباقر جعفر الصادق موسی

۵۰ - لازم است از همکار ارجمند سرکار خانم ملک زاده بیانی به جهت این دو کتابی که در اختیارم گذاردند، تشکر کنم.

الكاظم على بن موسى الرضا محمد التقى على
التقى حسن العسكري محمد المهدي (عكس
شماره ۳)

علاوه بر این مهر، از شاه طهماسب اثر دو مهر گرد ساده دیگر نیز وجود دارد که از نظر مضمون مانند مهر بلاست و تنها از نظر چگونگی حکاکی باهم تفاوت های کوچکی دارند. این دو مهر عبارتند از مهر فرمان شماره ۱۲ ج ۱ فرامین ماتناداران بتاریخ ۹۵۰ و مهر شماره ۲ عکس ۱۱

۲- مهر کلابی شکل : الله و محمد و علی بنده شاه ولایت طهماسب

سنه ۹۴۶

گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما
چرخ بردوش کشد غاشیه شاهی ما
(ف ۱ مدارك تاریخی)

گذشته از مهر های نامبرده رابینو از مهر دیگری نام می برد که این جمله بر آن کنده شده است. «سلطان کشور دین طهماسب شاه عادل»، که متأسفانه عکس آن در دست نیست.

ج - شاه محمد خدا بنده . (۹۸۵-۹۹۶ ه . ق .)

۱- مهر كك هك دار : حسبی الله غلام شاه جهان است سلطان محمد
(از دو بیت شعر حماسیه تنها قسمتی قابل
خواندن است) :

..... مولا امیر المؤمنینم
..... زجان و دل غلام کمترینم
(عکس ۱۱ شماره ۴)

د - شاه عباس بزرگ . (۹۹۶-۱۰۳۸) ه . ق .

۱- مهر گرد ساده : بنده شاه ولایت عباس ۹۹۹ اللهم صل علی النبی
والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر
والصادق والكاظم والرضا والتقى والنقی
والزکی والمهدی (عکس ۱۱ شماره ۵)

(۴)

- ۲- مهر گرد کلاهک دار : حسبی الله بنده شاه ولایت عباس
 جانب هر که باعلی نه نکوست
 هر که گوباش من ندارم دوست
 هر که چون خاک نیست بر در او
 گر فرشته است خاک بر سر او
 (ف.ش. ۹۰. مدارك تاريخی)
- ۳- مهر کوچک گلابی شکل : خاتم بنده شاه ولایت ۹۹۶ (عکس ۱۱ -
 شماره ۶)
 ه - شاه صفی . (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲) ه . ق .
- ۱- مهر گرد کلاهک دار : حسبی الله هست از جان غلام شاه صفی ۱۰۳۸
 جانب هر که باعلی نه نکوست
 هر که گوباش من ندارم دوست
 هر که چون خاک نیست بر در او
 گر فرشته است خاک بر سر او
 (ف.ش. ۱۲. مدارك تاريخی) (عکس ش ۶)
- مهر دیگری مانند مهر بالا بتاریخ ۱۰۳۸ بر فرمان ش ۱۹ همین کتاب
 وجود دارد .
- ۲- مهر گرد ساده : هست از جان غلام شاه صفی ۱۰۳۸ المهم صلی
 علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد
 والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی
 والنقی والعسکری والمهدی
 (ف ش ۲۱ ج ۲ فرامین ماتناداران)
- ۳- مهر چهار گوش ساده : بنده شاه ولایت صفی ۱۰۳۸ (عکس ۱۱ -
 شماره ۸)
 شاه عباس دوم . (۱۰۵۳ - ۱۰۷۸ ه . ق)
- ۱- مهر چهار گوش ساده : بنده شاه ولایت عباس ۱۰۵۲
 (۵)

۲- مهر گرد ساده :
بنده شاه ولایت عباسی ثانی ۱۵۰۲ اللهم صل
على النبي والوصي والبتول والسبطين والسجاد
والباسقر والصادق والكاظم والرضا والتقى
والزكى والمهدى (۱۰۵۵)
(ف.ش. ۳۰ ج ۲ فرامین فارسی)

۳- مهر گرد ساده :
بنده شاه ولایت عباس ۱۰۵۹ اللهم صلى على
النبي والوصي والبتول والسبطين والباقر
والكاظم والصادق والرضا والتقى والنقى
والحسن والمهدى (عکس ۱۱ شماره ۱۰)

۴- مهر گرد کلاهک دار :
حسبى الله. بنده شاه ولایت عباس ثانی
جانب هر که باعلى نه نکوست

هر که گوباش من ندارم دوست
هر که چون خاک نیست بردراو
گر فرشته است خاک برسر او

۵- مهر گرد کلاهک دار :

الله سبحانه مالک الملک. بنده شاه ولایت عباس
ثانی- اللهم صل على محمد مصطفى و على
مرضى وحسن رضى وحسين شهيد كربلا على
زين العابدين محمد باقر وجعفر صادق موسى
كاظم على بن موسى رضى محمد تقى على تقى
حسن عسگرى محمد مهدى (ف.ش. ۳۴
مدارك تاريخى)

ر- شاه سلیمان: (۱۰۷۸ - ۱۱۰۶ ه.ق.)

۱- مهر گرد کلاهک دار :

الملك لله انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن
الرحيم ۱۰۷۹ الحمد لله الذى فضلنا على كثير
من عباده و صل على خير خلقه محمد واله
(عکس ۱۱ شماره ۱۲)

۲- مهر کلاهک دار :

الله محمد على. (امام حسن) (امام حسين) ۱۰۷۸
(۶)

گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما

چرخ بردوش کشد غاشیه شاهی ما

(عکس ۱۱ شماره ۱۳)

۳- مهر کلابی شکل : بنده شاه دین سلیمان است ۱۰۷۷ (عکس

۱۲ شماره ۱۴)

۴- مهر چهار گوش کلاهک دار : بسم الله بنده شاه ولایت سلیمان ۱۰۷۷ (عکس

۱۲ شماره ۱۵)

۵- مهر گرد کلاهک دار : حسبی الله بنده شاه دین سلیمان است.

جانب هر که باعلی نه نکوست

هر که گوباش من ندارم دوست

هر که چون خاک نیست بر در او

گر فرشته است خاک بر سر او

(عکس ۱۲ شماره ۱۶)

۶- مهر گرد کلاهک دار : بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم صل على محمد

المصطفى وعلى المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن

والحسين و على زين العابدين و محمد الباقر

وجعفر الصادق و موسى الكاظم و على الرضا و

محمد التقى و على النقى و الحسن المسكرى

والمهدى العجته صاحب الزمان

(عکس ۱۲ شماره ۱۷)

ح - شاه سلطان حسین (۱۱۰۶-۱۱۳۵ ه.ق.)

۱- مهر گرد ندانه دار کلاهک دار : نکین سلطان جهان وارث ملک سلیمان ۵۱

حسبى الله اللهم صل على النبى والوصى والبتول

والمجتبى والحسين والسجاد والباقر والكاظم

والرضا والتقى والنقى والزكى والمهدى

(عکس ۱۲ شماره ۱۸)

۲- مهر چهار گوش کوچک کلاهک دار: بسم الله بنده ولایت سلطان حسین ۱۱۱۱

(عکس ۱۲ شماره ۱۹)

۳- مهر چهار گوش کلاهک دار: بسم الله الرحمن الرحيم كسـمـتـرین كـلب

امیر المؤمنین سلطان حسین ۱۱۲۵ (عکس

۱۲ شماره ۲۰)

۴- مهر گرد دندانه دار کلاهک دار: حسبی الله. اللهم صل على النبي والوصی والبتول

والحسن والحسين والسجاد والباقر والصادق

والكاظم والرضا والتقى والنقی والزكى والمهدى

(عکس ۱۴ شماره ۲۱)

۵- مهر گرد کلاهک دار: حسبی الله بنده شاه ولایت حسین ۱۱۱۲

جانب هر که با علی نه نکوست

هر که گو باش من ندارم دوست

هر که چون خاک نیست بردارو

گر فرشته است خاک بر سر او

(عکس ۱۳ شماره ۲۲)

۶- مهر چهار گوش: بنده فرمانبر مولی حق سلطان حسین (عکس ۱)

ط - شاه طهماسب ثانی. (۱۱۴۲ - ۱۱۴۵ ه. ق.)

۱- مهر چهار گوش: بنده شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۹ (عکس ۱۳

شماره ۲۳)

گذشته از این مهرها، اثر مهر دیگری در بعضی فرمانها وجود دارد که

عبارتست از «مهر مسوده» هنگامیکه مسوده (چر کنویس) فرمانها تهیه

میگردید، و یا آنکه دستورات شاهی در حاشیه عرایض نوشته میشد، آنها را

با مهر مسوده مهور میگردند، که نشانه صحت مسوده و موافقت پادشاه با صدور

فرمان بود. تنها در اینصورت بود که فرمانها پا کنویس میشد و یا بر مبنای

دستورات، فرمان کامل بصورت پا کنویس تهیه میشد. در عریضه خلیفه

اوج کلیسا و فرمان شماره ۴۰ از کتاب فرامین فارسی ماتناداران این وضع را

مشاهده میکنیم.

اثر دو مهر مسوده از این دوره در دست است که عبارتند از :

- ۱ - مهر مسوده شاه عباس ثانی: بنده شاه ولایت عباس ثانی، مهر مسوده دیوان اعلی (ف . ش . ۴۰ . ج ۲ فرامین فارسی)
- ۲ - مهر مسوده شاه صفی ثانی: بنده شاه ولایت صفی ثانی ، مهر مسوده دیوان اعلی (عکس ۱۱ شماره ۱۱)

در اینجا باید یادآور شویم که شاه سلیمان بسال ۱۰۷۷ بنام شاه صفی ثانی به سلطنت نشست. پادشاهی او بسبب جوانی و کم تجربگی و افراط در شرابخواری و هوسرانی با آشفتگی بسیار در کار کشور و مزاج خود او همراه شد .

قحطی و هرج و مرج و حوادث طبیعی چون زلزله ، و بیماری روز افزون شاه سبب گردید که کار آشفتگی کشور بالا گیرد .

درباریان و حرم نشینان که گفته حکیم باشی را مبنی بر اینکه انتخاب ساعت تاجگذاری شاه سعد نبوده پذیرفته بودند ، شاه را بر آن داشتند که مجدداً تاجگذاری کند . در سال ۱۰۷۹ شاه صفی ثانی باردیگر تاجگذاری کرد و برای رهائی از بلایای گذشته نام خود را نیز از صفی سلیمان تغییر داد. مهر مسوده موجود مربوط بسالهای اول سلطنت شاه سلیمان است .

درجه اهمیت مهرهای پادشاهان صفوی متفاوت بود . مهمترین مهر در میان مهرهای شاهی مهری بود که جعبه مهرهای شاهی بآن مهور میشد و بنا بنوشته شاردن همیشه شاه آنرا برگردن آویخته داشت .

شاردن در شرح انواع مهرهای شاه سلیمان این مهر را مهر بزرگ راست گوشه ای از جنس فیروزه معرفی کرده ، که اطراف آن اسامی چهارده معصوم و وسط آن نام شاه سلیمان کنده شده بود . اگرچه آویختن مهری ببزرگی آنچه شاردن وصف میکند بگردن کار آسانی نیست ، و بعید است که شاه چنین مهری را بگردن بیاویزد . (زیرا مهری که بتواند حاوی نام تمام ائمه بعلاوه نام شاه باشد مهری است نسبتاً بزرگ) اما چون مدرک دیگری در دست نیست باید آنرا پذیرفت .

آنچه مسلم است این مهر برای مهر کردن فرامین رسمی بکار برده نمیشد .

زیرا در هیچیک از فرامین موجود اثر این مهر وجود ندارد. (شاید در دستورات سری و خصوصی یافوری شاه از آن استفاده نشده است.)

دومین مهر مهر چهار گوش ساده‌ایست که معمولاً تنها نام شاه بر آن کنده شده بود و فقط بر « ارقام » زده میشد. بعد از این دو مهر بزرگ گرد که یکی ساده و دیگری کلاهک‌دار بود قرار داشتند. این دو مهر را بر احکام و پرواچه‌ها میزدند. تفاوت این دو مهر روشن نیست و نمیدانیم که مورد خاص بکار بردن هر یک چه بوده است توضیحات شاردن درباره موارد استعمال هر یک از مهرها متأسفانه بسیار نارساست.

وی مینویسد که مهر کلاهک‌دار « برای امور دیوان ممالک از قبیل عهدنامه‌ها و مکاتبات با خار جیان و احکام اجازه‌نامه‌ها »^{۵۲} بکار میرفت و مهر ساده « برای امور خاصه و امور سپاه مورد استفاده قرار میگرفت »^{۵۳}. اما بررسی فرمانهای موجود این موضوع را نشان نمیدهد.

(بطور نمونه باید از فرمان شماره ۳۴ کتاب مدارک تاریخی نامبرد که دارای مهر گرد کلاهک‌دار و شامل حکم مقررری همه ساله برای یکی از غلامان خاصه می‌باشد.)

بنابراین نمیتوان با قاطعیت معلوم کرد که هر یک از مهرها در چه موردی بکار میرفته است. علاوه بر مهرهای نامبرده دسته دیگری از مهرها وجود داشتند که آنها را باید مهرهای درجه سوم و کوچک نامید. این مهرها برای مهر کردن دستورات عادی و معمولی بکار میرفت و در فرامین رسمی و اداری و دولتی اثر آنها دیده نمیشود.

شاردن در این باره می‌نویسد :

« صدراعظم بعرض شاهنشاه (شاه سلیمان) رسانید که یک عده از جوانان اعیان و اشراف مست کرده در جوار کاخ همایونی موجب اختلال گشته‌اند. حسب الامر بتمام سربازان و افسران فرمان داده شد که من بعد هر کس را در کوچه مست و مخمور ببینند همانجا شکمش را پاره کنند. فقط کسانی که

۵۲ - ص ۲۶۷ سازمان اداری

۵۳ - ص ۲۶۷ سازمان اداری

جواز مهوری به مهر کوچک همایونی در دست دارند، از مجازات معاف خواهند بود. شاهنشاه فی الفور دستور داد برای تمام رجال و بزرگان ممتد بمشروب از این جوازا اعطاشود. « ۵۴ ».

مهر مورد نظر شاردن باید مهر بیضی شکلی باشد که تصویر آنرا در اطلس خود آورده است (عکس ۱۰) در کار مهر کردن فرمانها دواتداران نیز نقشی بمهده داشتند.

در سازمان اداری صفوی دو نفر دواتدار خدمت میکردند. این دواتداران که دارای لقب مقرب الخاقان بودند عبارت بودند از:

۱ - مقرب الخاقان دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر (دواتدار ارقام)

۲ - مقرب الخاقان دواتدار (احکام و پروانجات)

کتاب تذکرة الملوك و ظایف دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر، را چنین تعیین کرده است:

« ارقام بیاضی و دفتری را (که) واقعه نویسان طغرا میکشند، مشارالیه بمهر مهر آثار میدهد. « ۵۵ در باره وظایف دواتدار احکام و پروانجات چنین آمده است:

« ارقام و احکام و پروانجات (ی) که عالیجاه منشی الممالک طغرا میکشد، مهرباد آن مختص دواتدار مذکور است « ۵۶ »

در باره کلمه « ارقام » که در آغاز جمله بالا آمده است توضیح کوتاهی لازم است. و آن اینکه ذکر کلمه ارقام یکی دیگر از مواردی است که میتواند نشاندهنده اشتباهات نویسنده تذکرة الملوك باشد.

بامراجعه بفصل وظایف منشی الممالک میتوان دید که در آن طغرا کشیدن ارقام جزء وظایف وی نیست، و تنها از پروانجات و احکام سخن بمیان آمده است. در حالیکه در اینجا ارقام نیز بیان افزوده شده است.

باین سان باید گفت که نویسنده تذکرة الملوك در ذکر کلمه « ارقام » در مورد شرح وظایف دواتدار گرفتار اشتباه شده است.

۵۴ - ص ۱۹۴ ج ۳ سیاحتنامه شاردن ترجمه محمد عباسی

۵۵ - ص ۲۶ تذکرة الملوك

۵۶ - ص ۲۶ تذکرة الملوك

مینورسکی در کتاب - سازمان اداری حکومت صفوی می نویسد :
 دواتداران صاحبان مناصبی بس دون بودند ، و مواجب آنان بسیار نبود ، و
 در بارهای عام در صف سپاهیان و اسلحه داران قرار می گرفتند . « ۵۷ منصب
 دواتداران چنانکه پرفسور مینورسکی ذکر کرده منصبی بس دون هم نبوده .
 درست است که دواتداران در مجلس شاهی اجازه نشست نداشتند ، اما این
 دلیل پستی درجه و مقام آنها نبود . بلکه داشتن اجازه ورود و حضور در مجلس
 شاهی خود نشانه بلندی مقام است .

در تاریخ صفوی بدواتدارانی بر میخوریم که مناصب عالی را شاغل شده اند .
 از آن جمله اند محراب خان قاجار که « در جوانی در دربار شاه عباس منصب
 دواتداری داشت و بسبب حسن خدمت و آداب دانی از زمره مقربان بساط عزت
 گشت و . . . چون آثار کاردانی و لیاقت و مردانگی از صورت حالش ظاهر و
 نمایان بود . . . بر تبه امارت ترقی کرده و ایالت ولایت طیس کیلکی باو
 تفویض گردید . . . و هر چند سال بایالت ولایتی از ولایت خراسان معزوز
 ممتاز میگردید . « ۵۸

از بررسی وظایف دواتداران نتایج زیر بدست می آید :

۱- « ارقام » که بوسیله مجلس نویس طغرا کشیده میشد ، توسط دواتدار
 مهر انگشتر آفتاب به مهر میرسید . تذکره الملوك از چگونگی کار دواتداران
 اطلاعی نمیدهد . اما ظاهراً وظیفه آنها این بوده که مهر شاهی را با مرکب
 آغشته کرده تقدیم میداشتند ، تا شاه ارقام را مهور کند . مهری که ارقام با
 آن مهور میشد مهر چهارگوشی بود که مادر شرح مهرها آنرا « دومین » مهر
 بشمار آورده ایم . و بایستی بر انگشتری سوار باشد . زیرا دواتدار آن نیز بنام
 دواتدار مهر انگشتر موسوم بوده است .

مینورسکی این مهر را مهری بیضی شکل تصور کرده که نقش آن بر یکی
 از فرامین سلطنتی موزه بریتانیا دیده میشود . این تصور متأسفانه درست نیست
 زیرا دواتدار مهر انگشتر تنها مأمور مهر کردن ارقام بوده ، و بر ارقام نیز تنها

۵۷ - س ۱۱۹ سازمان اداری صفوی

۵۸ - عالم آرای عباسی - س ۱۰۰۸

مهر چهار گوش زده میشد. بنابراین مهر مورد نظر مینورسکی «مهر انگشتر» نیست.

۳- احکام پروانجات که بوسیله منشی الممالک طغرا کشیده شده بود، توسط دو اتدار مخصوص پروانجات مهر میگردد. مقام وی از نظر درجه و اهمیت، پائین تر از دو اتدار ارقام بود، و به همین مناسب میزان حقوق او نیز کمتر بود. نویسنده تذکرة الملوك در فصل آخر کتاب خود که شامل «ذکر مبلغ و مقدار مواجب و رسوم ارباب مناصب»^{۵۹} است مقدار حقوق آنها را چنین ذکر کرده است:

«دو اتدار ارقام مبلغ چهل و سه تومان و یکم هزار و کسری مواجب و تیول»^{۶۰} و مقداری نیز از محل رسوم اجارات و تیول درآمد داشت.

«دو اتدار احکام مبلغ بیست و چهار تومان و دو هزار کسری مواجب و تیول»^{۶۱} و مقداری نیز از محل رسوم اجارات و تیول و جز آن درآمد داشت.

این نتایج، طبقه بندی ما را در انواع فرامین و درجه اهمیت آنها تأیید میکند.

در اینجا لازم است که پیرامون مهر انگشتر آفتاب اثر توضیحاتی بدهیم. نظریه فورمینورسکی درباره مهرها، چنانکه خود وی نیز معترف است متأسفانه «میهم و مورد شك و تردید است»^{۶۲} و حتی گاهی همراه با اشتباه وی درباره «مهر انگشتر آفتاب اثر» یا «مهر آثار» می نویسد:

«مهر انگشتر آفتاب آثار یا مهر آثار شاید همان مهری باشد که اثرش در فرمان ۱۰۱ موجود است و حاشیه و هاله ای از آب طلا که با دست کشیده شده است آنرا احاطه کرده. این امر کاملاً اصطلاح آفتاب آثار را تعبیر و تفسیر میکند»^{۶۳} این گمان متأسفانه بسیار دور از درستی است زیرا عنوان «آفتاب اثر» یا «مهر آثار» هرگز عنوان و لقبی برای مهر معینی نبوده است

۵۹ - ص ۵۱ - تذکرة الملوك

۶۰ - ص ۵۸ - تذکرة الملوك

۶۱ - ص ۵۷ - تذکرة الملوك

۶۲ - ص ۲۷۰ سازمان حکومت اداری صفوی

۶۳ - ص ۲۶۹ سازمان اداری حکومت صفوی

بلکه «مهر آثار» یا «آفتاب اثر» درحقیقت صفتی است برای «مهر» نه عنوان آن چنانکه کلمه «اشرف» نیز دارای چنین وضعی است «و چون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند» (ف - ۹ - مدارک تاریخی) و اگر این کلمات را عنوان و لقبی برای مهرها بدانیم باید بدنبال «مهر اشرف» هم بگردیم.

اشتباه این دانشمند محقق از شمسه طلای نقش شده بدور مهرناشی شده است. درحالیکه میدانیم کشیدن شمسه و تریج مذهب در اطراف مهرهای سلطنتی امری معمولی و رایج بوده است. و این برای تزئین فرمان بوده، نه تفسیر و تعبیر صفت «مهر آثار»ی. بعلاوه بکار بردن صفت «مهر آثار» برای مهرشاهی در فرمان نویسی دوره صفویه امری رایج بوده و برای انواع مهرها بکار میرفته است، نه مهر معینی. در پایان فرمان شماره ۳۴ از کتاب مدارک تاریخی این جمله بچشم میخورد «و چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند» و مهر آن نیز مهر گرد کلاهک دار است. در آخر فرمان شماره ۱۷ از همان کتاب این جمله دیده میشود «و چون رقم بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند» درحالیکه مهر آن مهر چهار گوش است.

جمله آخر فرمان ۴۲ از کتاب فرامین فارسی ماتناداران چنین است «و چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند» و مهر آن مهر گرد ساده است این مقایسه نشان میدهد که «مهر آثار» یا «اشرف» هیچیک عنوانی برای مهر معینی نبوده اند.

گفتگوی پیرامون مهرها را با چگونگی تهیه و کندکاری آنها پایان میدهیم. شاردن در شرح تاجگذاری شاه صفی (سلیمان) مینویسد:

«امر شد هر چه زودتر اسم شاه عباس از روی مهرهای دولتی که همیشه از جواهرند و از دربار از کیسه مختوم بمهر صدراعظم در آورده اند محو شود، و بجای آن نام صفی حک گردد، و در بعضی که نام عباس را بتنهائی نمیتوان محو کرد هر چه کنده شده محو کنند و اگر تاب تراش نداشته باشند بکلی خرد نموده و تجدید نمایند.»^{۶۴}

۶۴ - ص ۴۷ شرح تاجگذاری شاه سلیمان

نوشته شاردن بر مبنی اینکه شاه دستور داد تنها نام عباس را محو کرده و بجای آن نام صفی را حک کنند مقرون بصحت نیست زیرا با مطالعه مهرهای صفوی دریافتیم که نام شاهان همیشه در میان مهر کنده شده، و در اطراف آن غالباً اشعاری در مدح علی، یا سامی ائمه حک میشده است این شباهت سبب شده که شاردن تصور کند که مهر پادشاه جدید همان مهر شاه سابق است که تنها نام آنرا تغییر داده اند. در حالیکه مختصر دقتی در طرز حکاکی مهرها این موضوع را روشن میکند که مهر دوباره کنده شده است. بعلاوه از نظر فنی این کار یعنی تنها تغییر نام میسر نیست زیرا بناچار باید اول قسمت میانه مهر را که محل نام شاه است تراش داد و صاف کرد، تا بتوان نام تازه بر آن کند و در اینصورت میانه مهر گوشتی از اطراف آن خواهد گردید و اثر آن بر کاغذ منعکس نمیشود.

بنابراین باید گفت که هنگام جلوس هر پادشاه مهرهای شاه سابق را تراش داده و مهر تازه بر آن میکنند، و یا آنکه مهر را میشکستند و مهر تازه ای میکنند. مهرهای شاهی معمولاً بر سنگهای گرانبها چون یاقوت و زمرد و فیروزه کنده میشود.

فرمانها پس از آنکه بمهر شاهی میرسید به «دفتر خانه همایون اعلی» که در حکم دفتر مرکزی و سازمان اداری حکومت صفوی بود میرفت. و پس از ثبت در دفاتر مربوط بمهر ناظر و داروغه دفتر خانه میرسید.

پس از آن فرامین از «دفتر خانه همایون اعلی» به دیوانهای مربوطه فرستاده میشد. اگر فرامین مربوط بامور ممالک بود «بدیوان ممالک» و اگر بامور خاصه مربوط میشد «بدیوان خاصه» فرستاده میشد. مثلاً بدیوان صدور میرفت، و احکام قضائی را نزد دیوان بیگی میفرستادند.

بدینسان هر فرمانی را بدیوان مربوط خود، یا دیوانی که مسوده فرامین در آنجا تهیه شده بود میفرستادند که در دفاتر مربوط ثبت گردد.

فرامینی که جنبه مالی داشت مستلزم گذران تشریفات مفصل تری بود. اینگونه فرامین باید بهر مستوفی الممالک یا مستوفی خاصه رسیده و در دیوان آنها ثبت برسد.

فرمانهای مربوط بکارکنان دربار و حرم باید به مهر ایشیک آقاسی باشی برسد. در مواردی که فرمان مربوط به مخارج دربار بود و بایستی از محل درآمد های خاصه پرداخت شود باید به مهر ناظر بیوتات نیز مهر گردد، تا قابل پرداخت باشد.

فرامین چنانکه گفته شد در دفاتر گوناگون ثبت میگردد (ظاهراً در هر نوبت ثبت رونوشتی از متن فرمان در دفاتر نوشته میشد) و پس از ثبت در دفتر ثبت کننده فرمان جملاتی از قبیل ملاحظه شد، قلمی شد، صحیح است، مرقوم شد و مانند آنها بر پشت فرمان مینوشت و مهر میکرد. (عکس ش ۱۶) پس از طی این تشریفات فرامین بدست صاحبان آنها میرسید. اما صاحبان فرامین باید فرمان خود را به مهر مهرداران «مهر همایون» و مهر «شرف نفاذ» برسانند.

نویسنده تذکرة الملوك درباره مهردار مهر همایون که لقب مقرب الخاقان داشت می نویسد که «از جمله مناصب عظیمه و مجلس نشین بهشت آئین است»

«شغل مهردار در قدیم الایام آن بوده که ارقام وزارتها و استیفاها و کلانتریها و غیره را بعد از ثبت دفاتر بهمهر (ثبت مهر همیون) که نزد مهردار مزبور است در ضمن ارقام در گوشه عنوان مهر مینموده و در او آخر این ضابطه مضبوط نبود بلکه رسوم خود را از قرار تصدیق دفتری بازیافت مینمودند» ۶۵ درباره مهردار مهر «شرف نفاذ» نیز مینویسد:

«شغل مشارالیه آنست که ارقام و احکام امر او وزراء و مستوفیان و لشکر نویسان و قاطبه ارباب مناصب جزء و کل را که در اردوی معلی و یا ممالک محروسه ایران تعیین میشده، گوشه ضمن ارقام و ادر برابر مهر «همایون» بهمهر کوچک «شرف نفاذ» مهر نماید، و چنانچه صاحبان مناصب، رقم منصب خود را بجهت مدافعه رسوم مقرر به مهر داران نمیدادند، تصدیق رسوم مقرر خود را از

سررشته دفاتر توجیه دیوان اعلیٰ مشخص و معین، و بقلم ارباب حوالات دیوانی عرض، و از وجوه معینه بازیافت، و ارقام مناصب خواه بهمیری که در نزد مهردادان ضبط است میرسیده یا نامیرسیده، رسوم مستمری خود را اخذ مینموده‌اند. چنانکه نویسنده تذکره الملوك می‌نویسد، این مرحله از تشریفات و مهر کردن فرامین مدتی در دوره صفویه متداول بوده و بعد منسوخ شده، و غالباً فرامین بمهرهای نامبرده مهور نمیشده است.

چنانکه گذشت مهردادان نامبرده از هر فرمانی که صادر میشده و جنبه انتفاعی و مالی داشته مبلغی بعنوان رسوم دریافت میکرده‌اند، و علت مهور کردن فرامین برای دریافت همین رسوم بوده است. مهردادان با آنکه از مقام اداری و مزایای مالی مهمی برخوردار بودند، در کار صدور فرامین نقش عمده‌ای بعهده نداشتند.

نباید از یاد برد که مقام مهردادان مهرهایون بمراتب برتر از مهر شرف نفاذ بود. مهردادان مهرهایون در حضور شاه اجازه نشستن داشت و مهردادان مهر شرف نفاذ مجبور بود بایستد. نتیجه گیری پرفسور مینورسکی از وظایف مهردادان مهر «ثبت مهرهایون» متأسفانه اشتباه است.

وی می‌نویسد:

«مهردادان مهرهایون فی الواقع مسئول نگهداری مهرهایون که معمولاً بدست مادر شاه سپرده میشده نبود. در روزهای آدینه اسنادی که بمهر وزیران رسیده بود به در حرم ارسال میگشت و آنجا جعبه محتوی مهرهایون آورده میشد و پس از آنکه اسناد و مدارک جهت شاه قرائت میگردد، مهردادان محل معهود و مناصبی را بر روی فرمان مزبور تر و مهر را تقدیم شاه میکرد تا وی آنرا بر محل بگذارد»^{۶۷}

پرفسور مینورسکی چنین گمان کرده است که «مهرهایون» یکی از مهرهای سلطنتی بوده و در جعبه مهرهای پادشاهی حفظ، و بدست شاه بر فرمانها زده میشده است. در حالیکه «مهرهایون» مهر کوچک کم‌اهمیتی بود که بوسیله خود مهردادان «مهرهایون» حفظ میگردد و بنا بر نوشته تذکره الملوك «هر سه سال

يك بار مبلغ سی تومان قیمت بند مهر^{۶۸} بابت نگاهداری آن میگرفت. و چنانکه در ضمن شرح وظایف مهر دار نوشتیم این مهریس از ثبت فرامین در دفاتر بوسیله مهر دارپشت فرمانها زده میشد، در اواخر دوره صفویه اینکار انجام نمیشد و فرامین بدون این مهر نیز معتبر بود. نمونه مهر «ثبت مهر همایون» را (گوشه چپ عکس ش ۱۶) میتوان مشاهده کرد.

منبع و مأخذ وظایفی که مینورسکی از نظر تعیین محل مهر و غیره برای مهر دار تعیین کرده متأسفانه روشن نیست. بنابراین نمیتوان بدرجه درستی یا نادرستی آن پی برد.

شاردن در شرح فروش جواهرات خود شاه سلیمان می نویسد:

« در بیست و پنجم (اوت) بعنایت الهی معامله خود را با ناظر تمام کردم^{۶۹} در اوایل سپتامبر ناظر فرمان حواله وجوه مرا بعنوان هلندیان تسلیم داشت^{۷۰}.

« ناظر فرمان مزبور را بسرعت تمام تسلیم من کرد اگر من شخصاً میخواستم آنرا بگیرم بیش از یکماه جریان کار طول داشت^{۷۱}. اگر این کنسلی کار را عیبی بشمار آوریم در برابر آن حسن بزرگ صحت و دقت وجود داشت که شاردن خود بدان معترف است

وی می نویسد: باطمینان میتوانم بگیریم که چنان دقت و صحتی در کار اداری دولت صفوی وجود دارد که هر کس هر گونه اطلاعی از فرامین شاهی مربوط بهر زمانی که بخواهد میتواند بدست آورد. و این خود نظم و ترتیب کار بایگانی دیوانهای دولت صفوی را بخوبی نشان میدهد.

در بررسی فرامین دوره صفوی بواژه های «دفتری» و «بیاضی» بر میخوریم که باید آنها را عناوینی برای دودسته از فرمانهای این دوره بدانیم. فرمانهای دوره صفوی بطور کلی بدو دسته بیاضی و دفتری تقسیم میشوند. نحوه صدور فرامین دفتری بهمان صورتی بود که شرح آن نوشته شد. اینگونه

۶۸ - ص ۵۷ تذکره الملوك

۶۹ - ص ۲۲۴ ج ۳ سفرنامه شاردن ترجمه محمدعباسی

۷۰ - ص ۲۳۱ ایضاً

۷۱ - ص ۲۳۵ ایضاً

فرامین باتشریفات کامل صدور می‌یافت. اما فرامین بیاضی، شامل آندسته از فرامین میشد که پس از مهور شدن به پسر شاهی بلافاصله بدست صاحب فرمان داده میشد، یا بکسی که فرمان بنام او صادر شده بود ابلاغ میگردید، و تشریفات ثبت در دفاتر را نمیگذراند.

«چون برخی احکام سلطنت درنگ بر نمی‌تابد از جهت تعجیل و اخفای راز، منشور مقدس تنها بنسکین شاهی پیرایه گیرد و از دفاتر نگذرد و آنرا حکم بیاضی گویند.»

تعجیل تیغ یار بود در هلاک ما حکم بیاضی که بدفتر نمی‌رسد

این توصیفی است که در فرهنگ آندراج از حکم بیاضی شده است. این توضیح میرساند که فرامین بیاضی عبارت بوده اند از فرامینی که بدو سبب سری بودن، یا فوریت صدور مییافتند و برای جلوگیری از اتلاف وقت یا افشای مضمون، از ثبت و ضبط آنها در دفاتر مختلف خودداری میگردید. ارقام و احکام و پروانچه‌ها هر کدام ممکن بود که بیاضی یا دفتری باشند در مورد ارقام در تذکره الملوك در بخش وظایف دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر چنین آمده است:

«ارقام بیاضی و دفتری را که واقعه نویسان طغرا میکشند مشارالیه به مهر آثار میدهد.»

پرفسور مینورسکی درباره فرامین دفتری و بیاضی مینویسد:

«اولی محتملاً آنست که از مسوده‌ها صادر میگشت و دومی (پاکنویس) مستقیماً بامر شاه نوشته میشد.» ۷۲

باید گفت که متأسفانه این احتمال مقرون بصحت نیست و چنانکه گفته شد فرمانهای بیاضی و دفتری از نظر ثبت و گذراندن مراحل اداری تقسیم‌بندی میشدند.

بر آنچه پیرامون شیوه و چگونگی فرمان نویسی در صفویه نوشتیم، باید این توضیح مختصر را بیفزائیم.

در آغاز پادشاهی سلسله صفویه ، یعنی از زمان شاه اسمعیل اول تا واسط سلطنت شاه تهماسب فرمانها بشیوه پیش از دوره صفوی نوشته میشد . این دسته فرمانها بانام خداوند و جمله الحکم الله (بالای فرمان) آغاز میگردد ، سپس طغرای پادشاه زیرا آن نوشته میشد که عبارت بوده از « ابوالمظفر شاه اسمعیل بهادر سیوزومیز ، یا ابوالمظفر تهماسب بهادر سیوزومیز »^{۷۳} (عکس ش ۱۷)

در باره جمله سیوزومیز باید توضیح دهیم که این عبارت یکجمله ترکی است که معنای « فرمانمان » یا « فرموده مان » میدهد .^{۷۴} زیر طغرای مهر شاهی زده میشد . آخرین فرمان از این دسته فرمانی است از شاه تهماسب اول که بسال ۹۴۸ صادر گردیده است .^{۷۵}

در پایان این مقاله متن دو قطعه فرمان صفوی موجود در موزه هنرهای تزئینی که تا کنون بچاپ نرسیده است از نظر خوانندگان میگذرد . چون آنچه پیرامون فرمان نویسی در دوره صفویه نوشته شد ، بسبب محدود بودن مدارک و اطلاعات و تحقیقات قبلی راجع بآن ، مانند هر نوشته تحقیقی دیگر ، نمیتواند خالی از لغزش باشد ، امید است که خوانندگان دانشمند و صاحب نظر در صورت مشاهده هر گونه لغزش و اشتباه بایادآوری آن نویسنده را سپاسگزار فرمایند .

الخالق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هو

رئیس (مهر) علوم انسانی
بنده فرمان بر مولی حق سلطان حسین

حکم جهان مطاع شد - آنکه چون قبل از این حسب الرقم اشرف مقرر شده بود که وزارت و رفعت و معالی پناه عزت و عوالی دستگاه شمساً للوزارة والرفعة واله عالی میرزا محمد کریم وزیر گیلان بیه پس و شریعت و افادت و افاضت پناه

- ۷۳ - فرمانهای شماره ۸ تا ۱۱ اول فرامین فارسی ماتناداران
۷۴ - سیوز در ترکی بمعنی سخن ، دستور ، گفته و فرمان است - سیوزومیز از نظر دستوری اضافه ملکی و در حالت جمع است .
۷۵ - فرمان ش ۱ کتاب مدارک تاریخی

وفضیلت و کمالات دستگاہ علامی فہامی تاجاً للافادہ والفضلہ ملا حسن شیخ اسلام کیلان باتفاق نایب وزارت و نجابت و رفعت و معالی پناہ عزت و کمالات دستگاہ شمساً للوزارۃ والنجاہ و الرفعة میرزا محمد ربیع مستوفی کیلان بیہ پس و وزیر بیوتات سرکار خاصہ شریفہ بحقیقت عدم رضاء کداخدایان و ارباب بنیچہ و رعایاء الکاء مزبور بکلانتری خواجہ محمد تقی کلانترا نجا و رضا و خواہشمندی چہاردانگ رعایا و ارباب بنیچہ بکلانتری خواجہ محمد سعید کلانترا سابق رسیدہ حقیقت واقعی آنرا عرضہ داشت پایہ سریر خلافت مصیر نمایندو در اینوقت مشارالہیم بعرض رسانیدند کہ بموجب محضر علیحدہ چہار صد و شصت و نہ نفر بکلانتری خواجہ محمد تقی راضی و دو ہزار و یک صد و بیست و ہفت نفر اظہار رضا و خواہشمندی بکلانتری خواجہ محمد سعید نمودند کہ از آنجملہ نہ صد و ہشتاد و سہ نفر عدم رضا و اظہار شکوہ از خواجہ محمد تقی و تتمہ بدون شکوہ او اظہار رضا از کلانتری خواجہ محمد سعید مزبور نمودند بنا بر این از ابتداء چہار ماہہ تنکوژئیل کلانتری بلدہ رشت و توابع را بدستوری کہ بکلانتری سابق مرجوع بود برفعت و معالی پناہ عزت دستگاہ شہریاری شمس للرفعة و المعالی خواجہ محمد سعید شفقت و مکرمت فرمودہ ارزانی داشتیم کہ باہر مزبور و لوازم آن اقدام نمودہ و در ہر باب حسن سعی خود را ظاہر سازد و در آبادانی الکاء مزبور مساعی جمیلہ بظہور رسانیدہ نگذارد کہ از اقویا برضعفا وزیردستان ستم و زیاد واقع شود و نوعی نماید کہ آثار حسن سعی او بر نواب ہمایون ما ظاہر گردد و سادات عظام و مشایخ کرام و اعیان و کدخدایان و جمہور رعایا و عموم متوطنین الکاء مزبور رفعت و معالی پناہ مومی الیہرا کلانترا باستقلال آنجا دانستہ از سخن و صلاح حسابی او کہ موجب رفہا حال رعایا و توفیز مال دیوان بودہ باشد بیرون نروند وزیر و مستوفی الکاء مذکور بیوقوف و شعور و تجویز او و گماشتہ او مدخلی در توجیہات و تخصیصات و وجوہات دیوانی و خارج المال و استصوابیات نمایند و یکدینار و یکمن بار بی مہر و نوشتہ او بھیچوہ من الوجوہ بتوجیہ

در نیاوردند و حواله و (اطلاق) و داد و ستد نکنند و در کل معاملات آنجا نوشته و مهر اورا معتبر دانند و ابریشمی که حسب الرضار عایا جهت سرکار خاصه شریفه به سلم ایتباع میشود بدستور بوقوف مشارالیه خریداری نموده قیمت را در حضور مومی الیه بر عایا دهند و نوعی ننمایند که ستم و زیادتی بر عایا و عجزه و فوت و فرو گذاشت و نقصانی در مال سرکار خاصه شریفه واقع شود در او و غنگان الکاء مذکور قضیائی که در میان رعایا سانح شود در حضور رفعت و معانی پناه مومی الیه و گماشتگان او بفیصل رسانند و وظیفه رفعت و معالی پناه مذکور آنکه نگذارند که آنچه بتخفیف مقرر شده احدی بخلاف آن عمل نماید و نوعی بخدمت مزبور قیام نماید که حسن سلوک او عند (الخالق) ^{۸۵} و الخلاق مرضی و مستحسن بوده رعایا الکاء مذکور بر فاه حال و فراغ بال بدعا گوئی دوام دولت بیزوال اشتغال نمایند و اخراجات مملکتی را موافق شرح رقم مطاع که در آن باب صادر گشته بتوجیه در آورده یکدیگر بنار و یکمن بار بخلاف حکم و حساب در میانه رعایا و عجزه بتوجیه در نیاورده و در آخر هر سال توجیهات سال گذشته را با ابواب توجیه و تفصیل بنیچه محال بمهر ارباب و اهالی (ومهین) شریکان درست داشته با قبوض اسناد جزو بدیوان فرستد که بعد از ملاحظه و رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی مستوفی سرکار خاصه شریفه در دفتر عمل نموده محاسبه مفروع سازد مقرب الخاقانی مستوفی سرکار خاصه شریفه موازی سیصد عدد اشرفی که مشارالیه در سال اول پیشکش سرکار خاصه شریفه نموده که اصل خزانه عامره نماید در دفتر ابوالجمع و از قرار قبض مقرب الخاقانی صاحب جمع خزانه عامره به خرج مجری نماید و در این باب قدغن دانسته از جوانب برین جمله روند و از فرموده تخلف نوزند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارد و در عهده شناسند .

تحریراً فی ربیع الاول ۱۱۰۷

۱- کلمة الخالق بالای فرمان نوشته شده است .

الملك لله

(مهر)

بندۀ شاه ولایت عباس

الهم صل على النبي و الولى و البتول و السبطين
 و السجاد و الباقر و الصادق و الكاظم و الرضا
 و التقى و النقى و الزكى و المهدي

فرمان همایون شد . آنکه چون محال مذکورہ ضمن من اعمال مشہد مقدس معلی بسیورغال سیادت و نقابت پناه نجابت و بدایت دستگاہ عمدۀ السادات العظام الغ میرزا مقرر است و از راه ملکیت بسیادت و نجابت پناه مشارالیه متعلق است و مستوفیان عظام کسرام بعضی را از تیول ایالت و حکومت پناه نظاماً لله یالہ شاہنظر خان بموجبی کہ در ضمن در تحت ہر محل نوشتہ شدہ وضع نمودہ اند و بعضی سہواً از محل دیگر وضع شدہ و مزرعہ نودہ از بابت تفاوت مفرکہ در بارس نیل سابق کہ مفرکہ جمع قرار دادہ بسیورغال سیادت و نقابت پناه مشارالیه مقرر شدہ و از آن تاریخ بسیورغال مقرر است و سہواً وضع نشدہ بنا بر این مقرر فرمودیم کہ و کلا ایالت پناه مومی الیہ آنچه سہواً از محل دیگر وضع شدہ باشد و آنچه وضع نشدہ باشد چون دانستہ بسیورغال سیادت و نقابت پناه مشارالیه شفقت فرمودیم بمجرد آنکہ مستوفیان سہواً محلی را وضع ننمودہ باشند یا از محل دیگر وضع شدہ باشد اصلاً و مطلقاً بعلت مالوجہات و وجوہات غیر ذالک طلبی ننمودہ اطلاق و حوالتی ننمای و از تاریخ کہ بسیورغال مقرر شدہ و احکام مطاعہ صادر گشتہ بتخصیص مزرعہ نودہ و اتمقان کہ در بارس نیل بسیورغال مقرر گشتہ بدستور بسیورغال مقرر کارداران قدغن [نما] فی ہر سالہ حکم میجدد طلب ندارند .

تحریراً فی جمادى الاولى سنہ ثلث عشرین الف . (عکس ۱۸)

تاریخ از آن‌گونه علوم و مطالعاتی نیست که مغز
آرام و کوشش و زحمت زیاد برای آن کافی باشد .
تاریخ با عمیق‌ترین مسائل زندگی بشری سروکار دارد
و مستلزم آنست که شخص همه وقت و همه وجود
خود را وقف آن کند .

ارنست رنان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی